

عملکرد کرامیان در گسترش اسلام در شرق ایران با تکیه بر نقش

محمد ابن کرام

مهرداد صیادی فر¹

چکیده

محمد بن کرام سیستانی (255-190ق) در نیمه اول قرن سوم در شرق ایران و خراسان و سیستان فعالیت خود را آغاز کرد. او که روشی جدید و بینابین در میان فرق اسلامی به وجود آورده بود، پایه‌گذار مکتبی شد که برای سه قرن شرق ایران را در بر گرفت. اندیشه جدید با گرایش به مکتب حنفی و اندیشه ارجاء و روشی عارفانه - زاهدانه به فعالیت پرداخت و بنا به نظر برخی منابع توانست مردم بسیاری را به سوی خود جلب کند. شیوه متساهلانه این فرقه به نحوی بود که مردم غیرمسلمان هم به آن جذب می‌شدند. ابن کرام و دیگر رهبران کرامی بعد از او در میان مردم و حتی برخی مناطق غیر مسلمان چون غور، غورجه، تخارستان و فرارودان نفوذ کرده و با تعالیم خود مردم را به اسلام و تعالیم کرامی فرا خواندند. بعد از ابن کرام که اصولاً با حاکمان سر سازگاری نداشت، دیگر کرامیان مورد توجه حاکمان و سلاطین قرار گرفتند و حتی سلاطین بزرگی چون سبکتگین و محمود غزنوی و پادشاهان بزرگ غوری یعنی غیاث‌الدین و شهاب‌الدین به این فرقه معتقد گشته و از آن حمایت کردند.

واژگان کلیدی: کرامیه، محمد ابن کرام، گسترش اسلام، شرق ایران.

A research on the role of the karamids in spreading of the Islam in eastern Iran by stressing on the role of Mohammad ben Karram

Mehrdad sayadifar²

Abstract

Mohammad ben Karram (255-190.h) began his activities in geographical area of the eastern Iran, khorasan and Sistan in the first half of the 3th century of hegira. By a balanced view about religious beliefs, he found a significant sect that strengthened throughout Eastern Iran for three centuries. As a very popular religious school, the Karamids were inclined to the Hanafi thoughts, mystic and Erja' views. Their pluralistic views made a great popularity among non-Muslim inhabitants of some regions such as Ghour, Ghourche and Thokharestan. In contrary with the founder of the sect, all successors have a friendly relationship with the ruling powers especially Saboktakin and mahmood from the Ghaznavids and all great Ghourid rulers such as Shahab-od-din and Ghias-od-din.

Keywords: the Karamids, Mohammad-ben Karram, spreading of the Islam, the eastern Iran.

1. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه شهید بهشتی.

2. MA Student of the History of Islam, Shahid Beheshti University. Email:

mshistorian1367@yahoo.com

مقدمه

یکی از جریان‌ها و فرقه‌های کلامی که گاه با مذهب حنفی شانه به شانه می‌زند (دسته کم در دوره‌ای از سده چهارم و پنجم هجری در شرق ایران) و گاه نیز هم‌نوا و هم‌دست آن دانسته شده کرامیه است. کرامیه به پایه‌گذار آن محمد ابن کرام سیستانی نسبت داده می‌شود. درباره این فرقه و آموزه‌ها و تاریخ و سرنوشت آن در مقایسه با برخی از فرقه آگاهی‌ها و اسناد کمتری در اختیار است. مشهورترین و رایج‌ترین تلفظ نام این فرقه براساس ضبط منتقدان کرامی «کرامیه» مأخوذ از نام پدر محمد بن کرام است که به سبب پیشه «اشنگهبانی تاکستان‌ها» به کرام ملقب شده است.³ فصیحی خوافی کرامیه را از ریشه کرمو با عنوان کرامیه آورده است.⁴ کرام ابن عرف (عراق) در در یکی از روستاهای زرنگ به نامختک زندگی می‌کرد و هنگامی که با همسر خود به مکه رفته بود، صاحب فرزندی شد که او را محمد نام نهاد. پدرش او را در خرقة پوشید و در کعبه طواف داد و پیش زهداد مسجد الحرام برد و ایشان نوزاد را دعای خیر کردند. محمد به همراه پدر به سیستان بازگشت و به تحصیل علوم مشغول شد. پس از مدتی برای کسب علوم به هرات، نیشابور و مناطق دیگر سفر کرد. ابو عبدالله محمد بن کرام سیستانی نیشابوری اوقات خود را با احمد ابن حرب (متوفای 234) گذرانید و زهد را از او فراگرفت. سپس به مکه رفت و پنج سال در آنجا بود تا این که به نیشابور بازگشت و بعد از آنجا به سیستان رفت تا ارثی را که از عمویش به او رسیده بود، دریافت کند و آن را بین فقرا تقسیم کرد و به نیشابور بازگشت.⁵ فعالیت‌های او سبب شد که برخی از فقیهان با وی به مخالفت بپردازند و به تحریک همین‌ها بود که ابراهیم عامل آل طاهر او را از سیستان براند. شاید به دلیل هواداران و محبوبیت زیاد وی یا به دلیل زهد و پارسایی‌اش بود که ابراهیم از خون او گذشت.⁶ ابن کرام بعد از طرد از سیستان به مناطق غور، شورمین و غورجستان رفت و به تبلیغ اسلام پرداخت و حاصل این اسلام آوردن گروه بسیاری بود. او برای گسترش اسلام و تعالیم خود و جلب طرفدار، خانقاهی در هرات ساخت.⁷ اقداماتش در هرات، مخالفت فقیه شافعی ابن سعید داری (280 - 200)

3. عبدالکریم سمعانی، الانساب، ج 5 (بیروت: دار الجنان، 1988)، ص 42.

4. احمد بن محمد فصیحی خوافی، مجمل فصیحی، به تصحیح محمود فرخ، ج 1 (مشهد: کتاب‌فروشی باستان، 1341)، ص 341 و 323.

5. سمعانی، ص 43 و 44.

6. ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 11 (بیروت: دارالمعرفه، 1988)، ص 26.

7. شمس‌الدین ذهبی، تاریخ اسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری (بیروت: دارالکتب العربی، 2002)، ص 55 و 56.

را برانگیخت. پس از هرات هم رانده شد و به نیشابور رفت.⁸ طرفداران و مریدان بی‌شمار و مطرح شدن شایعه‌ایی مبنی بر این که حکومت طاهری را مردی از سیستان نابود خواهد کرد موجب شد طاهر ابن عبد الله (248 - 230) او را به زندان اندازد. هرچند زهد و وراعت بن کرام باعث آزادی اش شد.⁹ او به بیت‌المقدس رفت و بعد از مدتی باز به نیشابور بازگشت و این بار توسط محمد ابن اهر (259 - 248) او را به زندان انداخت. ابن کرام در سال 251 هجری به شرط این که دیگر به خراسان باز نرود، از زندان رهایی یافت و به بیت‌المقدس رفت و در منطقه بد آب و هوای «زغر» درگذشت و جسدش در بیت‌المقدس به خاک سپرده شد.¹⁰

اصحاب ابن کرام را مشبیه هم می‌نامند، چون ذات مقدس را به جسم تشبیه می‌کنند. در توضیح الملل شش گرایش کرامیه را نام می‌برد: عابدیه، تونیه، زرائیه، اسحاقیه، واحدیه و هیصمیه.¹¹ آن‌ها را صفاتی هم می‌نامند به دلیل اینکه اثبات صفاتی در جسمیت (مجسم بودن خدا) می‌کنند که اشعری‌ها با این مخالفند.

کرامیه بعد از محمد ابن کرام، توسط شاگردانش به مناطق دیگر خراسان و فرارودان گسترش یافت و حتی در دوره‌هایی از طرف حکامی چون غزنویان و سلطان محمود غزنوی و همچنین غوریان مورد حمایت قرار گرفت. مسأله تحقیق این است که آیا کرامیه در مسلمان کردن شرق ایران نقش داشته‌اش؟ برخی مورخین چون باسورث، منکر این امر هستند.¹² اما گروهی چون مادلونگ و فان اس و حسین صابری با اشاراتی به این قضیه و با تکیه بر منابع، بر این امر صحه گذاشتند که کرامیه به عنوان فرقه‌ایی کلامی در مسلمان کردن شرق ایران تاثیرگذار بوده‌اند.

نقش کرامیه در گسترش اسلام در شرق ایران

این امر از اقدامات محمد بن کرام برای مسلمان کردن این منطقه مشخص می‌شود. وی در طول سفرهای بسیاری که در مناطق شرقی و خراسان انجام داد، افراد زیادی از مردم غیرمسلمان را به

8. یوسف فان اس، «متونی درباره‌ی کرامیه» ترجمه احمد شفیعیها، مجله معارف، دوره نهم، ش 1 (فروردین - تیر 1371)، ص 55.

9. عبدالوهاب بن علی سبکی، طبقات الشافعیه الکبری، تحقیق عبدالفتاح محمد حلو (جیزه: هجر للطباعه و النشر و التوزیع و الاعلان، 1992)، ص 304.

10. علی بن محمد ابن اثیر، الکامل، ج 6، به تصحیح ابوالفدا قاضی (بیروت: دارالکتب العلمیه، 1240)، ص 212.

11. عبدالکریم شهرستانی، توضیح الملل، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی (تهران: اقبال، 1361)، ص 11 و 12.

12. ادmond باسورث، تاریخ غزنویان، ج 1، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، 1378)، ص 65.

دین اسلام فرا خوانده است که در منابع ملل و نحل، گزارش‌هایی در این باره به چشم می‌خورد. برای نمونه و به نقل از اسفراینی، در گرجستان مردمان سورمین و افشین فریفته عبادت او شدند و چون به نیشابور رفت گروهی از مردم روستایی فریفته زهد او شدند.¹³ هم‌چنین در شام و فلسطین به او گرویدند.¹⁴ گسترش این فرقه از زمان خود ابن کرام آغاز شد و در زمان شاگردانش مأمون بن احمد هروی، ابو محمد صفار، ابو محمد سگری و یحیی بن معاز نیشابوری ادامه یافت.¹⁵ بعدها هم شاگردان آنان همچون اسحاق بن محمش، ابراهیم بن مهاجر و محمد بن حیصم پایه‌گذاران گرایش‌های اسحاقیه، مهاجریه و حیصمیه در گسترش فرقه کرامیه و آموزه‌های آن در میان مسلمانان و غیر مسلمانان تلاش کردند.¹⁶

این فرقه علاوه بر غرب سرزمین‌های اسلامی، در مرکز و به‌خصوص در شرق ایران طرفداران بسیاری داشته است. اما مهم‌تر از همه خراسان و منطقه فرارودان بود که از مراکز اصلی فعالیت و حیات کرامیه به‌شمار می‌رفت.¹⁷ اما جالب این‌که، در گوزگانان و شهرهای فرغانه و ختل که در آن‌ها جمعیت‌های غیرمسلمان بسیاری زندگی می‌کردند و از مراکز اصلی مسلمانان و شهرهای بزرگ دور بودند، اسلام کرامی رسوخ کرد. در مرو، سمرقند، نیشابور، شهرهای مهم و استراتژیک خراسان و فرارودان نیز کرامیان از طیف‌های عمده اجتماعی بودند. چنان‌که درگیری‌هایی در سال‌های 488 و 489 ق میان کرامیان از یک‌سو و میان خنفیان و شافعیان از سوی دیگر، گزارش شده است.¹⁸ یکی از پیروزی‌های کرامیه در این دوره، به‌لحاظ تاثیر بر سلطان محمود غزنوی بود و او عملاً از کرامیه حمایت کرد؛ تا بدان حد که قتل ابن فورک، از مشاهیر اشاعره را به توطئه کرامیان و دسیسه آنان نزد محمود نسبت داده‌اند.¹⁹ همین اندازه که فرمانروایی چون محمود و پدرش سبکتکین به ایشان گرویدند و در غور غیاث‌الدین محمد (599ه) و برادرش معزالدین محمد (602 ه) طرفدار اندیشه‌ی کرامیان بوده‌اند، نشان از پایگاه پر قدرت ایشان در این زمان است؛ تا جایی که فخر رازی (606 ه)

13. ابوالمظفر اسفراینی، *التبصیر فی الدین*، تحقیق محمدزاهد کوثری (قاهره: مکتب الخانجی، 1374)، ص 99.

14. همان، ص 100.

15. حسین صابری، *تاریخ فرق اسلامی*، ج 1 (تهران: سمت، 1389)، ص 311.

16. همان، ص 211.

17. *دانش‌نامه دانش‌گستر* (ذیل *کرامیه*)، به کوشش علی رامین و همکاران، ج 13 (تهران: موسسه دانش‌گستر، 1389)، ص 9.

18. ابن‌اثیر، ج 8، ص 506.

19. محمد بن احمد مقدسی، *احسن التقاسیم*، تحقیق دخویه (لیدن: چاپ‌خانه بریل، 1906)، ص 245.

ناگزیر می‌شود این شهر را به سمت هرات ترک کند و همو در هرات نیز با سرسختی و مقاومت کرامیان رویارو می‌شود.²⁰

در اواخر قرن چهارم و در سال 383، ابویعقوب اسحاق بن محمش، پیشوای کرامیان نیشابور شهرت بسیار یافت. بنا به گفته برخی منابع، او بیش از پنج هزار از اهل کتاب و مجوس را به دست خود به اسلام در آورده است. پسرش ابوبکر محمد پس از پدر رهبری فرقه را به دست گرفت و پارسایی او باعث شد که نظر سبکتکین به کرامیه جلب شود و به آن اعتقاد پیدا کند. محمود هم به تاسی از پدر، پیرو و حامی این فرقه شد.²¹ ابوبکر محمد نیز از علاقه محمود در راه پیشرفت فرقه استفاده کرد و حتی در نیشابور حاکم شد و حکومت وحشت علیه دیگر فرقه‌ها را تاسیس کرد و با شیعیان، قمرطیان و اشاعره و حتی با بزرگانی چون خاندان صاعد و قاضی‌القضات غزنه، ابومحمد ناصحی که از قدرت بلائی برخوردار بودند به مخاصمه پرداخت (402). این نشان از قدرت و وجهه بالای کرامیه در قرن چهارم می‌دهد. هرچند بعدها ایشان مورد غضب محمود قرار گرفتند و از حکومت نیشابور کنار گذاشته شدند.²² تا بدین‌جا معلوم می‌شود که فرقه کرامیه در شرق ایران گسترش بسیار زیادی پیدا کرده بود و حداقل در قرون سوم، چهارم و پنجم از قدرت بسیار زیادی برخوردار بود. آن چه مهم می‌نماید این‌که عوامل این رونق چه بود و آیا در گسترش اسلام نقش خاصی ایفا کرد؟

تاثیر شخصیت ابن کرام و دیگر بزرگان کرامی

شفیعی کدکنی بر اساس کتاب الفصوص نوشته عبدالوهاب بن محمد حنفی از شاگردان محمد بن کرام، با استناد به شواهدی از عقاید تفسیری و عرفانی محمد ابن کرام مذکور در این کتاب، سعی دارد نشان دهد هر چه ملل و نحل نویسان درباره‌ی ابن کرام گفته‌اند از روی دشمنی و دروغ بوده است.²³ وی ابن کرام را بر اساس این متن، زاهدی یگانه و عارفی ژرفاندیش و متکلمی تنزیه‌ی و به‌دور از شائبه تجسیم و در عین حال، مردی انقلابی و اهل درگیری با حکومت معرفی می‌کند.

20. سبکی، ج 4، ص 131-132.

21. غلام‌رضا سلیم، محمود غزنوی، سرآغاز واپس‌گرایی در ایران (تهران: نشر برق، 1383)، ص 79.

22. ابوالشرف جرفادگانی، ترجمه تاریخ یمینی، به تصحیح جعفر شعار (تهران: بی‌نا، 1382)، ص 401.

23. محمدرضا شفیعی کدکنی، «چهره دیگر محمدبن کرام در پرتو سخنان نویافته از او»، ارج نامه ایرج، گردآورنده محسن باقر

زاده (تهران: توس، 1377)، ص 67 و 96.

همچنان که می‌گوید سخت‌گیری زاهدانه ابن کرام درباره‌ی شرایط امام یا حاکم و نیز اعتقاد وی در مورد مالکیت و مشروعیت بسیاری مالکیت‌ها، عامل دشمنی حاکمان و مالکان شد و آنان با تمام قدرت، سعی در سخیف جلوه دادن اندیشه‌های او کردند. پیروان او همه شرایط امام را در خود وی جمع می‌دیدند و برای او مقام شفاعت قائل بودند و این تهدیدی برای حاکمان بود.²⁴ آن‌ها با وجود غلبه فقه شافعی، لوای فقه را برازنده ابوحنیفه و لوای زهد را برازنده سفیان ثوری و لوای حقیقت را برازنده ابن کرام می‌دانستند و این بالاترین مرتبه عرفان بود.²⁵ با این چنین ویژگی‌هایی، ابن کرام در دوره‌ی خود، مورد توجه بسیاری از فرودستان جامعه و غیرمسلمانان ناراضی از حکومت و فقه شافعی و کلام اشعری قرار می‌گرفت.

رهبران دیگر این فرقه در دوره‌های بعد چنین ویژگی‌های داشتند؛ به طوری که ابن محمّشاد به لقب «حامی بیضه اسلام» ملقب بود.²⁶ ابن کرام بعد از رشد و نمو در نیشابور، مبادرت به انجام سفرهایی در گوشه و کنار سرزمین اسلامی کرد، از شرق گرفته تا غرب، شام، بیت‌المقدس و حجاز در رفت و آمد بود. البته برخی از این سفرها اجباری بوده است. او سفرهایی به تخارستان، فرغانه و فرارودان کرده است و در این گذارها، اوضاع دینی و اجتماعی زمان خود را به خوبی درک نمود و در واقع آنچه از تعالیم او باقی است، می‌توان به جرأت گفت که یک روش التقاطی دارد.

اوضاع اجتماعی و تعالیم منطبق با جامعه در نزد کرامیان

ضعف دولت عباسی در سده سوم و بروز جنبش‌هایی در پی قتل ابومسلم در سده پیش و همچنین قیام نو مزدکی‌ها و نو زرتشتی‌ها، طبقات حاکم را بدبین کرده بود و به این دلیل آن‌ها سعی می‌کردند اوضاع را هوشیارانه کنترل کنند. در چنین اوضاعی، ابن کرام و طرفدارانش ظهور کردند و به سرعت از طرف ناراضیان مورد توجه قرار گرفتند. کرامیان در میان کشاورزان و ناراضیان شهری، بیشترین طرفدار و نفوذ را داشتند. در زمانی که کشاکش سختی در میان عقل‌گرایان معتزلی و اهل حدیث طرفدار نقل جزم‌گرا به وجود آمده بود، مردم به خصوص طبقه عامه، به یک نوع سرخوردگی رسیده

24. همان، ص 89.

25. همان، ص 92.

26. آ. ی برتلس، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه یحیی آربین پور (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، بی‌تا)، ص 100 و 106.

بودند.²⁷ مکتب اعتزالی که تمام توجه خود را معطوف به مسائل عقلی کرده بودند،²⁸ نمی‌توانست در میان توده‌های مردم طرفدار زیادی داشته باشند. زیرا مردم در پی کسانی بودند که برنامه و دستور کاملی برای زندگی آنان وضع کند. برای مردم این که حسن و قبح، عقلی باشد یا نقلی، جذاب نبود و طرفداران چنین عقایدی مبرزین جامعه بودند. به‌علاوه مردم با فقها و محدثان خشکاندیشی که اکثراً مورد حمایت یا وابسته سلاطین و حاکمان بودند، نمی‌توانستند قلباً ارتباط برقرار کنند.

در بلخ در قرن دوم و سوم هجری، دین بودایی غالب بود؛ اما در مقابل نفوذ اسلام با مشکلاتی روبرو شده بود و نمی‌توانست نفوذ خود را حفظ کند. تعداد زیادی تندیس‌هایی که در معابد وجود داشت مسلمانان را به این نتیجه رسانده بود که این دین را بت‌پرستی بنامند و به‌همین خاطر این دین با فشار اسلام در تخارستان و فرارودان از بین رفت. اگرچه تاثیر آن در فرهنگ اسلامی بر جای ماند.²⁹ با توجه به این که در تخارستان، بلخ و مناطق دیگر جنوب فرارودان، خیل عظیمی از بوداییان زندگی می‌کردند که دینشان قابل تداوم نبود، برای ماندگاری در محدوده حکومت اسلامی، باید مسلمان می‌شدند. بنابراین آن‌ها به سمت نحله‌ای می‌رفتند که آثاری از دین خود را در آن بیابند و چندان سخت‌گیری نداشته باشد؛ و فرقه تاحدودی التقاطی کرامی، بهترین گزینه بود.

ابن کرام در نیمه اول قرن سوم و بعد از او، مریدانش تلاش‌های زیادی در این مناطق کردند (جایی که بیشترین غیر مسلمانان را داشت) تا مردم غیر مسلمان را به دین اسلام رهنمون کنند. در واقع تولد آراء و اندیشه‌های ابن کرام را باید با بینشی در متن کشاکش میان عقل‌گرایی معتزله که رو به افول بود و نقل‌گرایی اهل حدیث تجزیه و تحلیل کرد. در قرون نخستین اسلامی در خراسان هیچ توافقی میان نظرات و آراء ارباب فرق وجود نداشت و همواره میان آن‌ها درگیری و تضارب آراء وجود داشت. همان‌طور که گفته شد، میان اشعریان و اعتزالیون، حنفی‌ها و شافعی‌ها و همه آن‌ها با شیعیان و باطنی‌ها اختلافات زیادی حاکم بود. گروه‌های مختلف اجتماعی خسته و سرخورده از این تنازعات مذهبی، در جستجوی فردی بودند که به زبان ساده و واضح، ویژگی یک مسلمان واقعی و کامل و معانی قرآن و احادیث را برای آن‌ها توضیح داده و به‌طور کلی خط مشی زندگی عملی را به

27. شهنواز چراغ، «فرقه کرامیه در زمان غزنویان»، پایان‌نامه ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، 1386، ص 28.

28. صابری، ص 119.

29. واسیلی ولادیمیر بارتولد، تاریخ ترکان آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی (تهران: توس، 1376)، ص 74.

آن‌ها آموزش دهد. این شخص کسی جز محمد ابن کرام نبود که به نظر می‌رسد در لحظه حساس و مورد نیاز ظهور کرد.

او پس از چند سال سیر و سفر در نواحی مختلف و شرق ایران، تلفیقی از فقه، کلام و تصوف را به عنوان مذهب ارائه کرد.³⁰ تعالیم او از یک طرف میان مکتب سنت‌گرا که با خردورزی مخالف بود و مکتب اعتزالی که گرایش به بهره‌گیری از استدلال و عقل در فهم دین داشت، قرار داشت و از طرفی دیگر تعالیم خود را بر مبنای اندیشه خود فرا روی پیروانش قرار می‌داد و پیروان فراوان جلب نمود به طوری که این فرقه به عنوان فرقه‌ای پرطرفدار و ثروتمند در قرن چهارم شناخته شد.³¹ او به عنوان بدعت‌گذار که مردم عادی را به شورش بر می‌انگیزد، از سیستان رانده و مجبور شد به غور و غورجستان رود و به تبلیغ اسلام بپردازد.³² اولین تلاش‌های او در میان مردم روستایی و توده‌های پایین در چنین مناطقی بود. ساده و قابل فهم بودن عقاید کرامیان با اصول و عقاید ساده طبقات پایین هم‌خوانی داشت. ضمن این که ابن کرام عقاید خود را به دور از دسترس عوام قرار می‌داد و پشت کتاب *السر نوشته* بود که «لا یسمه الا المطهرون»³⁴ در چشم بسیاری از روستاییان، کرامیان نماد اسلام واقعی بودند و از نظر شهریان و فقیران، آن‌ها گروهی بودند که برنامه کاملی برای زندگی مادی و معنوی داشتند. به عنوان مثال کرامیان برنامه ویژه‌ای برای نماز، غسل و تدفین داشتند.³⁵

گرایش کرامیه به فقه حنفی و اندیشه ارجاء و عرفان و تساهل نسبت به مسلمانان و غیر مسلمانان

کرامیان در اندیشه‌های فقهی به سنت حنفی خاوری نزدیک بودند. مذهب حنفی به یک‌باره در نیمه قرن سوم در شرق ایران گسترش زیادی یافت. هرچند ابن کرام در فقه و آداب و بسیاری از مناسک،

30. مقدسی، ج 2، ص 257.

31. ویلفرد مادلونگ، تاریخ فرق اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری (تهران: اساطیر، 1377)، ص 79.

32. فان اس، ص 31.

33. ابن داعی رازی، *تبصره العوام فی مقالات الانام*، به تصحیح عباس اقبال (تهران: اساطیر، 1364)، ص 271.

34. همان، ص 65.

35. مقدسی، ج 1، ص 58.

از اندیشه‌های شخصی خود استفاده می‌کرد، ولی روی هم رفته پای‌بند به آموزه‌های ابوحنیفه بود.³⁶ مذهب ابوحنیفه بهترین و آسان‌گیرترین مذهب برای غیر مسلمانان بود؛ زیرا با غیرمسلمانان با روشی متساهلانه برخورد می‌کرد. از سوی دیگر کرامیه به تأسی از حنفیه، اندیشه‌های ارجاء‌گرایانه داشت.³⁷ کرامیان در مذهب پایگاه مرجئیان را حفظ کرده بودند و عمل را جز لاینفک مذهب نمی‌دانستند و گویند ایمان اقرار است به زبان، نه تصدیق به قلب و دیگر اعمال.³⁸ بنابراین اندیشه عرفانی ایشان، بر طبق آیه 172 سوره‌ی اعراف، همه روح‌ها در مقام مومن زاده شده‌اند و همچنان در آن باقی می‌مانند، مگر اینکه ارتداد گزینند و به کفر شهادت دهند.³⁹ بنابراین کرامیان ایمان را در اصطلاح شرقی آن اقرار لفظی شهادتین به زبان و بی‌نیاز از تصدیق به قلب تعریف می‌کردند. لاجرم منافق نزد ایشان مومن است در دنیا و مستحق عذاب نیست در آخرت ابد.⁴⁰ کرامیه با اندیشه ارجاء و فقه ابوحنیفه موافق بوده حتی آن‌ها را شاخه‌ای از حنفی‌ها دانسته‌اند. کرامیان از طرفی معتقد بوده‌اند که بشر می‌تواند بدون وحی، تا اندازه‌ای خوب و بد را تمیز دهد و انسان ناچار است که وجود خدا را راه خرد بشناسد.⁴¹ کرامیان نشان‌دهنده‌ی نهضتی فعال و زاهدانه بودند. آن‌ها می‌خواستند با شیوه رفتار خود بر دیگران اثر گذارند تا شیوه زندگی‌شان را دگرگون سازند و در اندرزهای خود، دنیاپرستی مردم را نکوهش می‌کردند.⁴²

پیدایش کرامیه موجب پیدایش شکاف در نهضت عارفانه - زاهدانه نیشابور شد. حتی جریان موسوم به ملامتیه که به کوشش ابوحنفص عمرو ابن سلم حداد و حمدون قصار و سعید ابن اسماعیل حبری بنیان نهاده شد، در راستای مخالفت با کرامیان بود. با چنین اندیشه‌ها و آموزه‌هایی، گروه بی‌شماری از زرتشتیان و اهل ذمه به کیش اسلام در آمدند.⁴³ شهر نیشابور به صورت پناهگاه جماعتی بی‌شمار از کرامیان که از طبقه پایین اجتماع بودند درآمد. کرامیان در سمرقند و اکثر نقاط فرارودان و جنوب آن یعنی غور و غرجستان، و همچنین در هرات، سرزمین‌های میان هرات و مرو

36. مادلونگ، ص 72.

37. همان، ص 73.

38. شهرستانی، الملل و نحل، به کوشش محمدرضا جلالی نایینی (تهران: اقبال، 1361)، ص 81.

39. عبد القاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، به کوشش محمد بدر (قاهره: نشر محمد صبیح واولاده، بی‌تا)، ص 211.

40. شهرستانی، ص 81.

41. مادلونگ، ص 74.

42. همان، ص 78.

43. همان، ص 79.

رود، بزرگ‌ترین موفقیت‌ها را کسب کردند و مردم نامسلمان بومی را به کیش اسلام در آوردند. کرامیان در سده 5 در هرات هنوز دارای اکثریت بودند و شهرک‌های کوچک‌تری مانند افشین و سورمین، سخت پیرو کرامیه بودند. ابن کرام همچنین در سمرقند جمعیت کرامی را بنیان نهاد اما به ظاهر کرامیان در دراز مدت در فرارودان چندان موفقیتی کسب نکردند.⁴⁴ در خاور زمین علاوه بر آنچه گفته شد، مقدسی از جماعت‌های کرامی در ختل گوزگانان مرو رود، دشت فرغانه، بیار، گرگان و طبرستان سخن می‌گوید.⁴⁵

جایگاه خانقاه و مدرسه در فعالیت‌های دینی و فرهنگی کرامیان

سرعت فوق‌العاده گسترش کرامیان در آغاز کار و توفیق آن‌ها در نگاه‌داشت توان جنبش در زمانی بیش از دو سده، در مقایسه با دیگر جریان‌های زاهدانه - عارفانه متقدم، تا اندازه‌ای مرهون سازماندهی نهاد خانقاه یا مدرسه آن‌ها بوده است. بارها گفته شده است که کرامیان نهاد مدرسه و خانقاه را در اسلام بنیاد نهاده‌اند.⁴⁶ ری بری تاراگون معتقد است که خانقاه‌های کرامیه نهادهای آموزشی نیز بوده‌اند و مدرسه‌های فقهی اهل سنت از همین خانقاه‌ها سرچشمه گرفته‌اند. بنابر گفته مقدسی در زمان او تنها کرامیان خانقاه‌هایی را به میزان بسیار، نگهداری می‌کرده‌اند و تعداد پیروان سخت کوشی در آن به صورت عادی زندگی می‌کردند.⁴⁷ این خانقاه‌ها به زمان ابن کرام و خانقاه او در هرات باز می‌گردد.⁴⁸ به ساکنان این خانقاه اجازه داده می‌شد که دست از زندگی مادی شسته و زندگانی خود را وقف عبادت کنند و دیگران را به حقیقت و به سوی خدا فرا بخوانند.

روحانیون با توجه به شبکه‌های خانقاهی، به رفت و آمد در مناطق مختلف مشغول بودند و با ساختن همین خانقاه‌ها در مناطق غیرمسلمان‌نشین و همچنین با تعلیم عارفان کرام مسلک و فرستادن آنان به مناطق غیرمسلمان‌نشین و همچنین ترک‌نشین تلاش زیادی در مسلمان کردن مردم شرق به خرج دادند. از طرفی مردمان این منطقه با عبادت‌گاه‌ها و صومعه‌ها آشنایی داشتند. به

44. همان‌جا، ص 79.

45. مقدسی، ص 248.

46. مادلونگ، ص 80.

47. مقدسی، ص 245.

48. دانشنامه جهان اسلام، (ذیل خانقاه)، ج 14، زیر نظر غلام‌علی حداد عادل (تهران: بی‌نا، 1389)، ص 797؛ مقدسی، ص 41.

احتمال زیاد می‌توان گفت که پیدایش مدرسه‌های عالی الاهیات اسلامی به تقلید از ویهارای بودائی که در منتهای شرقی اسلام پدید آمد، بوده است. شمار زیادی از مدرسه‌ها در بلخ و خراسان در قرن سوم وجود داشتند که وسیله موثری جهت تبلیغ اسلام بود.⁴⁹ کرامیان نخستین اقدام به ساخت چنین مدارسی کردند. خانقاه‌سازی به سرعت در میان کرامیان رایج شد و بعد از فوت ابن کرام، پیروانش بر سر مزار او در بیت المقدس خانقاهی بنا کردند.⁵⁰ منطقه غور تا قرن چهارم به دارالکفر مشهور بود و تنها در نتیجه تلاش‌های کرامیان، اسلام کرامی در آنجا گسترش یافت.⁵¹ در همین دوران بود که کرامیان توانستند امیر ناصرالدین سبکتکین و بعدها محمود پسرش را به سمت فرقه کرامیه جلب کنند و این تنها با فعالیت‌های تبلیغی از طریق خانقاه ممکن و موثر می‌شد. ابن اثیر در ذیل حوادث سال 595، کرامی بودن غوریان را تایید می‌کند که غیاث‌الدین غوری و بعد برادرش شهاب‌الدین بزرگترین پادشاهان غور بر مسلک کرامی بودند.⁵²

وجود خانقاه‌های کرامی در مناطق مختلف شرق، در هرات، بلخ، غور، غرجهستان، فرارودان، گرگان، فرغانه، ختل و منطقه تخارستان توسط مورخان تایید شده است. کرامیان در بسیاری از این مناطق گروه‌های بسیاری از غیرمسلمانان را به خود جلب کرده بودند. در باب این که بین خانقاه‌های کرامیان و صوفیان خلط نشود کافی است ذکر شود که مراکز صوفیان در خراسان در متون اولیه قرن سوم و چهارم هجری با نام «دویره» و «رباط» آمده است. در حالی که به گفته مقدسی نام خانقاه فقط برای محل تجمع کرامیان ذکر شده است و اصطلاح خانقاه بعدها برای محل تجمع صوفیان به کار گرفته شد.⁵³

نتیجه گیری

کرامیان به عنوان فرقه‌ای فقهی و کلامی توانستند در طول سه قرن سوم، چهارم و پنجم هجری در شرق ایران جایگاه ویژه‌ای را در میان مردم کسب کنند. نکته قابل تامل، گسترش آن‌ها در میان عامه مردم و از همه مهم‌تر، غیر مسلمانان است. کرامیان با تأسی از بنیان‌گذار خود که می‌توان او را

49. بارتولد، تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی (تهران: توس، 1376)، ص 74.

50. جمعی از نویسندگان، فرق تسنن، به کوشش مهدی فرماتیان (قم: نشر ادیان، 1386)، ص 466.

51. مقریزی، تقی الدین، الخطط المقریزیه، ج 4، با حواشی خلیل منصور (بیروت: دار الکتب العلمیه، 1418ق)، ص 271.

52. ابن اثیر، ج 12، ص 152؛ ذهبی، ص 381 و 400.

53. مقدسی، ص 177، 182، 238.

یکی از نوابغ زمان خود نامید، با تعالیمی که حاصل جهان‌بینی ابن کرام و درک درست او از جامعه شرق و شرایط سیاسی و مذهبی و جنجال‌های فکری و فرقه‌ای و فشار مذهبی بر غیر مسلمانان، توانستند وجهه زیادی در شرق به‌دست آورند. آن‌ها با استفاده از خانقاه‌ها که منحصر به خود آن‌ها بود و با دویره و رباط صوفیان تفاوت داشت، آموزه‌ها و تعالیم خود را در شرق سرزمین اسلامی در طی سه قرن یاد شده گسترش دادند. عامل اصلی نقش کم‌رنگ کرامیه در متون به این خاطر است که اصولاً به دلیل دشمنی اغلب فرقه‌ها با فرقه کرامیه آثار آن‌ها مفقود شده است و اگر هم مطلبی هست (بیشتر در ملل و نحل) بر ضد آن‌ها نوشته شده است.

کتاب‌نامه

- ابن اثیر، علی بن محمد. *الکامل*. ج 6. به تصحیح ابوالفدا قاضی. بیروت: دار الکتب العلمیه، 1240.
 ابن کثیر. *البدایه والنهایه*. ج 11. بیروت: دارالمعرفه، 1988.
 اسفراینی، ابوالمظفر. *التبصیر فی الدین*. تحقیق محمد زاهد کوثری. قاهره: مکتب الخانجی، 1374.
 بارتولد، واسیلی ولادیمیر. *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*. ترجمه غفار حسینی. تهران: توس، 1376.
 باسورث، ادموند. *تاریخ غزنویان*. ج 1. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیر کبیر، 1378.
 برتلس، آ. ی. ناصر خسرو و اسماعیلیان. ترجمه یحیی آربین‌پور. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، بی‌تا.
 بغدادی، عبد القاهر. *الفرق بین الفرق*. به کوشش محمد بدر. قاهره: نشر محمد صبیح واولاده، بی‌تا.
 جرفادگانی، ابوالشرف. ترجمه تاریخ یمینی. به تصحیح جعفر شعار. تهران: بی‌نا، 1382.
 جمعی از نویسندگان. *فرق تسنن*. به کوشش مهدی فرمانیان. قم: نشر ادیان، 1386.
 چراغ، شهناز. «فرقه کرامیه در زمان غزنویان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، 1386.
 دانشنامه دانش‌گستر. (ذیل کرامیه). زیر نظر علی رامین و همکاران. ج 13. تهران: موسسه دانش‌گستر، 1389.
 دانشنامه جهان اسلام. (ذیل خانقاه). ج 14. زیر نظر غلام‌علی حداد عادل. تهران: بی‌نا، 1389.
 ذهبی، شمس الدین. *تاریخ اسلام*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتب العربی، 2002.
 رازی، ابن داعی. *تبصره العوام فی مقالات الانام*. به تصحیح عباس اقبال. تهران: اساطیر، 1364.
 رحمتی، کاظم. «پژوهشی درباره کرامیه». کتاب ماه دین. تهران: خانه کتاب، ادیبهشت، 1380.
 سبکی، عبدالوهاب بن علی. *طبقات الشافعیه الکبری*. تحقیق عبدالفتاح محمد حلو. جیزه: هجر للطباعة و النشر والتوزیع و الاعلان، 1992.
 سلیم، غلام‌رضا. محمود غزنوی، سرآغاز واپس‌گرایی در ایران. تهران: نشر برق، 1383.
 سمعانی، عبدالکریم، الانساب. ج 5. بیروت: دارالجنان، 1988.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. «چهره دیگر محمد بن کرام در پرتو سخنان نویافته از او.» ارج نامه ایرج. گردآورنده محسن باقرزاده. تهران: توس، 1377.

شهرستانی، عبدالکریم. ملل و نحل. به کوشش محمدرضا جلالی نایینی. تهران: اقبال، 1361.

_____ . توضیح الملل. ترجمه مصطفی خالق داد هاشمی. تهران: اقبال، 1361.

صابری، حسین. تاریخ فرق اسلامی. ج 1. تهران: سمت، 1389.

فان اس، یوسف. «متونی درباره‌ی کرامیه.» ترجمه احمد شفییعی‌ها. مجله معارف. دوره نهم. شماره 1. فروردین - تیر 1371.

فصیحی خوافی، احمد بن محمد. مجمل فصیحی. تصحیح محمود فرخ. ج 1. مشهد: کتاب فروشی باستان، 1341.

مادلونگ، ویلفرد. تاریخ فرق اسلامی. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: اساطیر، 1377.

متز، آدام. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی. تهران: امیر کبیر، 1362.

مقدسی، محمد بن احمد. احسن التقاسیم. تحقیق دخویه. لندن: چاپ خانه بریل، 1906.

مقریزی، تقی الدین. الخطط المقریزیه. ج 4. با حواشی خلیل منصور. بیروت: دار الکتب العلمیه،

1418ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیشنل سائنسوں، انسانی اور مطالعاتی فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی